

آیا تفوق امریکا به پایان رسیده است؟

نویسنده: تد سنایدر (Ted Snider)

یادداشت: این مضمون انعکاس بینش جهانی هند است.

امریکا ورزش یک جهان در حال تغییر را حس کرده است. ویلیم برنز، رئیس سی آی ای، با اکراه اذعان نموده است که "ایالات متحده... دیگر تنها بازیگر بزرگ در ساحه ژئوپلیتیک نیست. و موقعیت ما در صدر جدول تضمین نشده است." اما ناتوانی جزمی امریکا در دید گذشته از دست رفته خود مانع از درک این تغییر شده و ایالات متحده از جریان کنونی ژئوپلیتیک دور گشته است.



روسیه، چین و هند اصرار دارند که چند قطبی بودن یک هدف دور دست نیست، بلکه یک واقعیت معاصر است. پوتین اظهار داشت که "جریان به سوی چند قطبی شدن در جهان اجتناب ناپذیر است. صرف تشدید خواهد شد. کسانی که این را درک نکنند و از این جریان پیروی نکنند، ضرر خواهند کرد." سرگی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، چند قطبی بودن را "یک واقعیت ژئوپلیتیک" نامید. سوبرامنیم جیشنکر، وزیر خارجه هند، موافق است که "دورنما اکنون به طور غیرقابل برگشتی تغییر کرده است."

اما ایالات متحده به دلیل ناتوانی خود در انطباق به حالت کنونی، به نبرد برای جلوگیری از لغزش جهان یک قطبی به سمت دو قطبی چسبیده است. ایالات متحده تنها قادر به دیدن جهانی است که به دو گروه تقسیم شده است: هر کشوری را که برتری اش را می پذیرد به عنوان یک گروه و هر کشور غیر متعهد در جهان چند قطبی که از انتخاب بین دو طرف خودداری میورزد، به عنوان گروه دیگر شناخته میشود. ایالات متحده قادر به دیدن جهان گذشته دوقطبی نیست و واقعیت چند قطبی را به عنوان بلوک دیگر در دنیای دو قطبی اشتباه می گیرد.

این تصور نادرست است که ایالات متحده را از هم خوانی با واقعیت اجتناب ناپذیر نظم نوین بین المللی باز میدارد. عدم هم خوانی با واقعیت، سیاست خارجی امریکا را در بلاتکلیفی قرار داده است. در نمونه

منسوخ امریکا، هند، بزرگترین کشور جهان و یک قدرت رو به رشد، وزنه ای است که انتخاب یک طرف از جانب هند سرنوشت ساز خواهد بود که کدام گروه غلبه خواهد کرد. هند که از مدت مدیدی شریک ایالات متحده و یکی از دوستان مهم روسیه بوده است، همانطور که ایالات متحده آن را می بیند، در هر دو بلوک جهان نقش دارد. وارد ساختن کامل هند به جانب امریکا مرام اصلی سیاست خارجی ایالات متحده است.

اما اعضای جهان چند قطبی در حال ظهور، دنیای جدید را دنیائی نمی دانند که در آن باید یک جانب را انتخاب کنند. ایالات متحده همچنان به جذب کشورها با تحایف و تهدید کشورها به تحریم ها ادامه می دهد تا آنها را به مشارکت انحصاری به سوی خود سوق دهد. اما جهان بینی کهنه ایالات متحده آن را محدود می سازد تا کشورها را به روابط انحصاری وادار نماید که جهان بینی آنها دیگر اجازه ورود به آن را نمی دهد.

کشورهای غیرمتعهد یک جانب را نمی گیرند: نه بین ایالات متحده از یک طرف و روسیه و چین از جانب دیگر، بلکه بین یک جهان بینی یک قطبی ایالات متحده و یک جهان بینی غیرمتعهد روسیه و چین که به کشورها اجازه می دهد تا روابط متعددی را در جهت تعقیب منافع خود دنبال کنند، نه منافع تفوق طلبی که آنها در جستجوی آن اند. کشورهای غیرمتعهد روسیه یا چین را به جای ایالات متحده انتخاب نکرده اند: آنها جهان بینی روسیه و چین را بر جهان بینی ایالات متحده ترجیح داده اند.

روسیه و چین به طور مداوم ادعا کرده اند که به دنبال عبور از ذهنیت جنگ سرد بلوک های ایدئولوژیک و نظامی هستند و روابط آنها "علیه یک کشور ثالث" نیست. شهزاده فیصل بن فرحان آل سعود، وزیر خارجه عربستان سعودی، با تاکید بر حق کشورش برای اقدام "بر مبنای منافع خود" و داشتن مشارکت استراتژیک با بسیاری کشورها موافقت کرد: "ما به قطبی شدن یا انتخاب بین یک شریک و شریک دیگر اعتقادی نداریم."

جیشنکر در کتاب خود به نام راه هند، جهان بینی نو ظهور را با توصیف جهان چند قطبی جدید به عنوان دنیائی که در آن کشورها "هم زمان با احزاب متخاصم با نتایج مطلوب" برای "منافع خودی" سروکار دارند، توضیح میدهد. از هند گرفته تا افریقا تا شرق میانه و امریکای لاتین، اساس چند قطبی جدید این است که کشورها منافع استعماری نو را که در خدمت یک تفوق طلب است با آزادی عمل منافع خود را جایگزین آن ساخته اند. مشخصه ای این واقعیت جدید، تعویض ائتلاف های ایدئولوژیک ثابت و بزرگ با مشارکت های متحرک بر اساس منافع خاص است.

جیشنکر توضیح میدهد که در دنیای چند قطبی جدید، ملت ها "بر روی موضوعات محدود تر به جای موضوعات گسترده با هم می پیوندند." "ملت ها باید روابط مبتنی بر نسخه ای ایجاد کنند که اغلب میتواند آنها را به جهات مختلف بکشانند." او می گوید که "تقارب با بسیاری وجود خواهد داشت اما با هیچ یک هم خوانی نخواهد بود." او به "همکاری غیر عملی و بی پایه" اشاره میکند و واقعیت جدید را "جهان پر از ابهام" "توافق جزئی و دستور کار محدود با "نحو انعطاف پذیر که متناسب با تقابل و رویارویی هستند" می نامد.

جیشنکر با ارزش ترین مهارت دیپلماتیک در دنیای چند قطبی جدید را "برخورد با احزاب متعارض همزمان با نتایج خارق العاده" معرفی می کند. بنابراین، در حالی که "هند قرارداد احیا شده چهارگانه را اجرا کرد، عضویت در سازمان همکاری شانگهای را نیز گرفت." این بدان معناست که "روابط سه جانبه دیرینه با روسیه و چین اکنون با امریکا و جاپان همزیستی دارد." این نمونه برای جهان بینی یک قطبی در مقابل دو قطبی ایالات متحده معنی نمیدهد. اما "نمونه واضح تری در حال ظهور است" زمانیکه به اقدامات هند "از منظر منافع خودی نگریسته شود" که جهان چند قطبی جدید اجازه میدهد.

جهان چند قطبی به این معناست که مجبور نباشیم بین ایالات متحده و روسیه یکی را انتخاب کنیم، بلکه در مورد مسائل مختلف همگرایی، مشارکت متفاوتی با آنها داشته باشیم. جیشنکر اظهار میدارد که "روابط هند و آمریکا... در سال‌های اخیر شکوفا شده است"، "روسیه یک شریک ممتاز باقی می‌ماند که همگرایی ژئوپلیتیکی با آن یک ملاحظه عمده به شمار می‌رود." با بهبود روابط با ایالات متحده، نازندرا مودی، صدراعظم هند به طور همزمان بیان میدارد که "روابط بین روسیه و هند به طور قابل توجهی بهبود یافته است." او این دوستی را "بسیار مهم" خواند. جیشنکر روابط هند و روسیه را "از پایدارترین روابط جهان در دوران معاصر" نامیده است.

ایجاد روابط مبتنی بر موضوع خاص به جای اتحاد ایدئولوژیک در جهان چند قطبی نه تنها به معنای داشتن روابط نا موافق با کشورهای مختلف بلکه روابط ناموافق با همان کشور است. هند به دلیل نگرانی‌های منطقه‌ای با چین مخالف است، اما موید نگرانی‌های جهانی آمریکا در مورد چین و "علیه" چین نیست. هند نگرانی‌های خاص خود را در مورد همسایه غول پیکر خود دارد، لکن برای مهار آن به بلوک آمریکا نمی‌پیوندد. جیشنکر بیان میدارد که وقتی هند و چین "فرا تر از منافع ملی نظر می‌اندازند، این دو کشور در تلاش خود برای ایجاد جهان متعادل تر همگرا هستند." هند همزمان با عضویت در QUAD به رهبری آمریکا، به همراه چین، عضو بریکس و سازمان همکاری شانگهای است. جیشنکر اظهار میدارد: "به دلیل تمام مسائلی که با یکدیگر دارند، هند یا چین در عقب دماغ خود این احساس را دارند که با نظم مستقر غربی مخالفت می‌ورزند." او اصرار دارد که "هند و چین نباید اجازه دهند اختلافات به منازعه مبدل شود."

جیشنکر متذکر می‌شود که چند قطبی بدین معناست که هند میتواند "روی نگرانی‌های اساسی" با چین محکم بایستد و در عین حال رابطه پایدار با چین برقرار کند. از منظر جهان بینی ایالات متحده، این "به راحتی قابل ستایش نیست." هند یک شریک فعال در QUAD به رهبری آمریکا است که هدف آن مهار کردن و بی ارزش ساختن چین است. اما، اگرچه هند در مسائل منطقه‌ای با چین مشکل دارد، اما زمانی که تلاش نماید در سطح جهانی علیه چین باشد، QUAD را مهار کرده و اصرار دارد که QUAD "علیه کسی نیست" و از فرمولی استفاده میدارد که منعکس کننده فرمول روسی-چینی است.

در لحظاتی که ایالات متحده تلاش می‌نماید با کشاندن هند به سوی خود، دنیای یک قطبی را حفظ کند، هند دیگر علاقه‌ای به انتخاب طرف ندارد. هند دیگر نیازی به حمایت از آرزوهای هژمونیک یک ابر قدرت احساس نمی‌کند. در دنیای چند قطبی جدید، حقوق خود را برای ایجاد مشارکت با هر چه بیشتر قطب‌ها، نه بر اساس اتحاد های ایدئولوژیک، بلکه بر اساس منافع خودی در شرایط خاص، اعلام میدارد.

سیاست خارجی آمریکا در حال لنگیدن است، زیرا دیگر با واقعیت نظم بین المللی هم خوان نیست. نظم جدید بین المللی بر اساس درک این موضوع عمل می‌نماید که چند قطبی شدن جریان اجتناب ناپذیر است. این به معنای عدم حمایت از دنیای یک قطبی یا انتخاب طرفین در دنیای دو قطبی است. این به معنای ایجاد پیوندهای خاص با هر چه بیشتر قطب ها ممکن است. این به معنای همسوئی در مورد مسائل خاص در یک جهان غیر متعهد است. ایالات متحده که هنوز در حالت خود باخت در نمونه کهنه اش بند مانده است، همه کسانی را که چند قطبی را انتخاب می‌کنند به عنوان قطب مخالف در دنیای دو قطبی می‌بیند. این برداشت نادرست از جهان باعث می‌شود که ایالات متحده همچنان با این کشورها به گونه ای برخورد کند که دیگر عملی نیست.